

تحمل بار وظیفه در اینصورت بسی آسان و ناچیز است

امام (ع) ضمن نامه‌ای (که متن آنرا شریف‌رضی در نهج البلاغه آورده - نامه ۴۹ از باب نامه‌های امام (ع) - و ترجمه آنرا بفارسی در شماره گذشته بنظر خوانندگان گرامی رساندیم) به مأموران دارائی پس از توجه بجهان واپسین آنرا متوجه پاداش عمل نموده میفرماید: **د و اعلموا ان ما کلفتم یسیر و ثوابه کثیر**، همان بدانید که کشیدن بار تکلیف و وظیفه در برابر اجرها و پاداشهای آن بسی آسان و ناچیز است اینک توضیح و تفسیر این قسمت ...

هیچ عاقلی دست بکاری بیهوده و عبث نمیزند، ناچار مقصود و منظوری از کار خود دارد، و بدنبال هدف و نتیجه‌ای میگردد، منظور و مقصد از هر فعل همانست که در فلسفه از آن به نام «علت غائی» یاد شده و یکی از علل چهارگانه شمرده می‌شود.

و نیز گاه می‌شود که فعلی نتایج گوناگون داشته باشد و هر فاعلی جو بای نتیجه یا نتایجی باشد که فاعل دیگر را بدأطالب آن نتیجه نیست و گاه ممکن است: خود فاعل نیز هدف را کم کند و در عین اینکه خیال می‌کند دنبال نتیجه‌ای می‌گردد، نتیجه دیگری را بدست آورد، برای مثال و توضیح بیشتر:

کارگیری ساده از صبح تا بشام زحمت می کشد و عرق میریزد تا بالقمه نانی شکم خود و فرزندان را سیر کند آنهم اگر میسر شود !
قهرمانی و رزیده تمرین‌هایی کند ، رنج‌هایی برد ، در مسابقه‌ها شرکت می‌جوید ، باین طرف و آن طرف می‌زند ، ضربه‌ها را تحمل می‌کند ، بخاطر بدست آوردن عنوان قهرمانی ، و افتخاری موهوم یا ناموهوم !!

دانشمندی بزرگ مطالعه‌هایی کند ، کتاب‌ها را زیر و رو می‌نماید ، عمری را با قلم و کاغذ و کتاب سپری می‌کند تا مثلاً خدمت‌گزار جامعه باشد و اجتماع او را مردی بزرگ و دانشمند بشناسد !

مخترعی نابغه تلاش‌هایی کند ، رنج‌هایی کشد ، عمری را در آزمایشگاه بسر می‌برد تا اختراعی را تکمیل نموده ، دنیا نام او را در ردیف مخترعان بزرگ به ثبت آورد ...

و بالاخره همه خواندیم که فاتحان ماه چه ریاضت‌ها کشیدند ، تمرین‌ها کردند ، بقول مطبوعات « **آرمنترانک** » شکنجه‌ها و آزمایش‌هایی را تحمل کرده که حتی بسیاری از مرآت‌خان تاب تحمل آنرا ندارند ، اودر برابر بزرگ‌ترین شکنجه آزمایشی یعنی شنیدن صداهای عظیم و گوش‌خراش از سه شیبور بزرگ الکتریکی طاق‌ت آورد و موفق شد در آغوش این هیاهو با تمرکز فکر سفینه آزمایشی‌اش را مانور دهد . و هم در عین حال یک معادله مشکل و چند مجهولی ریاضی را بر آسا حل کند .

اودر دست‌گاه عظیم و چهار طبقه گریز از مرکز در هر دقیقه ۴۲ بار به این طرف و آن طرف پرت شدن و دور خود چرخ زدن را طاق‌ت آورد ، پس از پایان تمرینات ، خون چنان به سر و پشتش جھیره و جھوده می‌گوشده بود که شناخته نمی‌شد ولی معدنک این مرد دلیر با آب و نم و زیناورد و لبخند همیشگی‌اش را بر لب داشت .

شکنجه دیگری که او تحمل کرد عبارت بود از اقامت در اطاق گلوله‌ای ، این اطاق هوای متغیری دارد هر دقیقه بدقیقه دارای آب و هوای قله هیمالیا یا هوای قطبی و یا هوای گرمسیری می‌شود .

اوروزهای متمادی سکوت مطلق ؛ تنهایی مطلق ؛ گرمسنگی و تشنگی مطلق را تحمل

کرد .

این بود نگاه کوتاهی به زحماتی که زحمت‌کشان جهان متحمل می‌شوند !

در برابر همه این زحمات آنچه را که جویندگان با همه مرارتها بدست می‌آورند (اگر دنیا را از دیده مادی بنگریم) در سه کلمه خلاصه می‌شود : پول ، مقام ؛ شهرت .

تا زه اگر کامروا شوند و بمقصود برسند و الادا نشمندان گمنام و مخترعان ناکام ، و قهرمانان محروم ، و کارگران بینوا و گرسنه کم نیستند !

این نتایج همیشه بنبع بشریت تمام می‌شود

ای کاش این زحمات همیشه بنبع بشریت تمام شود ، ولی هیئات ! چه دانشهایی که

در راه تأمین منافع زورگویان بکار نمی‌افتد؟! چه مطالعاتی که بهره‌اش نصیب ستمگران نمی‌شود؟! چه اندازه نیروها، کارها، فعالیتها که در راه اشباع شهوات ارباب زر و زور استخدام نمی‌گردند؟! و بالاخره چه اختراعاتی که نتیجه‌اش کشت و کشتار انسانهای شرافتمند نمی‌شود؟!!

* * *

کیست که از زحمات مؤمنان و موحدان در طول تاریخ پرماجرای بشریت بی‌اطلاع باشد؟ کیست که فداکاریهای مسلمانان صدراول اسلام را نشنیده باشد؟ کیست که داستان ریاضتهای توانفرسای بلالها؛ عمارها؛ ابوذرها، سلمانها، و صدها هزارها مرد و زن شرافتمند مسلمان بگوشش نرسیده باشد؟

کیست که از جانبازیهای سر بازان احد؛ بدر؛ صفین؛ کربلا؛ و صدها صحنه خونین نظیر آن بی‌خبر باشد. کیست که ریاضت‌های علمی این سینماها، خواجه نصیرها، امام زکریاها، ابن رشدها، مفیدها؛ شهیدها و صدها هزاران دانشمند مسلمان را بخاطر نداشته باشد؟

بنابراین:

یکفرد خدا پرست هم رنج می‌برد، زحمت می‌کشد، ولی نه بخاطر عناوین موهوم، نه بخاطر اندوختن سیم‌وزر، و نه برای رسیدن به مقامات ظاهری و وو

یکفرد مؤمن و خدا پرست دنیا را مزرعه آخرت میدانند: کار می‌کنند و به فعالیت می‌پردازند چون کار را عبادت میدانند، از دنیا و متاعش کامی‌گیری چون بی‌اعتنائی به سفره گسترده الهی را جایز نمیدانند و بهره‌برداری از کالای دنیا را وظیفه‌می‌شمرند و در عین حال میدانند که دنیا تنها برای او نیست دیگران هم سهم دارند و تمام همت او هم دنیا نیست چه بعقیده او زندگانی آخرت بهتر و گالایش بیشتر و مدتش نیز ابدی و همیشگی است از این جهت مؤمن اگر کارگر است کار خود را خوب انجام میدهد چه: دین به او می‌گوید: خدا دوست دارد هر کس هر کاری را انجام میدهد نیکو انجام دهد... (۱)

حق خود را از کار فرما، می‌گیرد و به حقوق او نیز احترام می‌گذارد، کار کردن و زحمت - کشیدن، برای خود و فرزندانش را جهاد در راه خدا میدانند (۲)

اگر دانشجو و یادانشمند است علم و دانش را به منظور کمال می‌خواند و نه بسوای مال، از گهواره تا گور دانش می‌جوید مطالعه را عبادت میدانند (۳) ساعتی تفکر و اندیشه را بر سالها عبادت ترجیح میدهد (۴) و بدانش خویش مغرور نمی‌شود چه: میدانند: فوق کل ذی علم علیم (۵) و ما اویتیم من العلم الا قلیلا (۶) دانای مطلق بالاتراز هر دانشمندی است و نیز بهره بشر از دانش بسی اندک است.

و بالاخره صاحب هر شغل و مقامی است، میدانند وظیفه‌ای درباره جسم و جان خود دارد

(۱) مضمون حدیث نبوی ص (۲) الکاد لعیاله کالمجاهد فی سبیل الله (حدیث)
(۳) مضمون روایات ۵- قرآن مجید سوره یوسف آیه ۷۶ (۶) سوره اسری آیه ۸۵.

که در حفظ تن باید بکوشد و در تهذیب اخلاق و پرورش روان بایستی جدیت کند. وظائفی در برابر خانواده خود، اجتماع خود، و بالاخره سایر مردم دارد، همه آنها با او برادرند، همگی فرزندان یک پدر و یک مادرند، سفیدی و سیاهی رنگ پوست، داشتن نژادهای مختلف در اصل و نسب انسان تغییری پدید نمی آورد. موجب امتیاز کسی بر کسی نمیگردد. چنین کسی میداند اگر وظائفش را درست انجام داد درد نیاسر بلند است و در سرای دیگر، سعادت جاوید و بهشت برین در انتظار او...

بهشتی که فانی نمیشود؛ مرگ در آن راه ندارد؛ نعمت هایش تمام نمیشود، لذت هایش بی پایان، شهیدش بدون شر نک، و نوشش بی نیش و زنده گیش بدون زحمت و مشقت است.

چنین فرد با ایمانی هیچگاه از انجام وظیفه خسته نمی شود، و تمام زحمات را در مقابل آنهمه اجر و پاداش کوچک میسرمد، تنها ممکن است مؤمن را گاهگاهی غفلت فراگیرد، در اینصورت از طرف رهبران دین بایستی تذکر داده شود، و با وعظ و تنبیه موجبات بیداری آنان فراهم گردد.

از اینجاست که امام (ع)، زمامدار بزرگ و راهنمای افکار و اخلاق اجتماع نه تنها در مسجد و بالای منبر بلکه حتی در نامه ها و فرمانهای سیاسی خویش این حقیقت را تذکر میدهد که: **واعلموا ان ما کلفتم یسیر و ثوابه کثیر**: هان بدانید که کشیدن بار وظیفه در مقابل آنهمه اجر و پاداش بسی سهل و آسان است.

راستی اگر دنیا داران برای مقام موهوم، و شهرت بی حاصل و پول و مال از دست رفتنی اینهمه زحمت می کشند شایسته نیست مؤمن بخدا، بخاطر انجام وظیفه، بخاطر سعادت متمدنی در دنیا، بخاطر بهشت جاوید بخاطر نعمتهای بی پایان آنجهان، بخاطر خلود و ابدیت، و بالاخره بخاطر قرب بخدا و رضوان و خشنودی پروردگار تمام زحمات را کوچک شمرد و با استقامت و پشتکار و کمال شادایی و طراوت و وظائفش را بنحو احسن انجام دهد و غرق در لذات مادی این جهان نگردد؟

آری **واعلموا ان ما کلفتم یسیر و ثوابه کثیر**.

بنابه گفته امام (ع) فرض کنیم که در برابر گناهان، ظلمها و ستمگریها، هیچگونه عذاب و عقابی هم مقرر نباشد، و لطف پروردگار آتش جهنم را هم خاموش سازد، آیا با انسان بخاطر پشت پازدن به نعمتهای جاودانه بهشت معذور است؟

آیا آنهمه پاداش در برابر زحمت انجام تکلیف ارزنده نیست؟

آیا زندگانی جاوید بدون رنج و زحمت کار و تکلیف، تلاش چند روزه دنیا را قابل تحمل نمی کند؟ و بالاخره آیا اطاعت و فرمان برداری از خدا و رسیدن به مقام قرب و نزدیکی، و خشنودی و رضایت ذات مقدس او، صرف نظر از پاداشهای دیگر، لذت بخش نیست؟ باز هم گفتار امام (ع) را مطالعه کنید.

ولو لم یکن فیما ینهی الله عنه من البغی والعدوان عقاب یخاف لکان فی ثواب اجتنابه ما لا عدل فی ترک طلبه!